

نقد‌ها و بررسی‌ها



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ منصور زمینه‌ساز ظهور مهدی؛ یاران و دوستداران

بسم الله الرحمن الرحيم

نقد

نویسنده: مشتاق امام مهدی

تاریخ: ۱۳۹۴/۱۱/۲۸

این جانب وقتی نهضت بازگشت به اسلام را به دوستان و نزدیکان خویش معرفی می‌کنم و وقتی اسم زمینه‌سازی برای آخرین ولی امر مسلمین می‌آید، با تمسخر و ریشخند می‌گویند: ما این قدر گرفتار هستیم که وقت نداریم شکم خود را سیر کنیم!! و یا نهضت بازگشت به اسلام را یک افسانه می‌دانند که دجالان برای فریب مردم طراحی کرده‌اند تا مخالفان خود را از بین ببرند!! و حتی کسی به من گفت هر پرچمی که برافراشته شود قبل از ظهور مهدی کذب است!! و با این اجتهادها برای خود نسخه‌ی دوری کردن از نهضت را هر چند که حق بودن آن را دریافته‌اند می‌پیچند!! و سفارش می‌کنند که از این روده‌های آخر الزمان که در جریان است دوری کنیم و خود بالای قلّه به تماشای ما و نهضت بازگشت به اسلام می‌نشینند!! تا خسته شدن و یا نابودی ما را به چشم ببینند!! و به ریش ما بخندند!!

با این وصف، این مدعیان که هر روز به نماز و زیارت مشغولند در پیشگاه الهی چگونه هستند؟ این‌ها با ظهور امام مهدی چه جایگاهی دارند؟

کسانی که در راه نهضت بازگشت به اسلام همراه عالم ربانی جناب علامه منصور هاشمی خراسانی به سختی‌ها و گرفتاری‌ها و تمسخر و اذیت دیگران دچار می‌شوند، چه اجری در پیشگاه خداوند و خلیفه‌ی او دارند؟

با تشکر

بررسی

تاریخ: ۱۳۹۴/۱۲/۴

برادر مؤمن!

لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

۱. نهضت «بازگشت به اسلام»، نهضت مستضعفان آخر الزمان برای بازگشت به کتاب

خداوند و سنت پیامبر او و بازگشت به ارزش‌ها و آرمان‌های همه‌ی صدیقان و شهیدان و صالحان در طول تاریخ است و چنین نهضتی یک «افسانه» نیست، بلکه یک «حقیقت» است؛ حقیقتی روشن که مانند نوری در تاریک‌ترین دوران تاریخ بشر نمایان شده تا او را که چونان کودکی گم‌شده در آستانه‌ی نابودی است، به «خانه» بازگرداند. «بازگشت به اسلام» تنها یک نام نیست، بلکه یک حرکت است؛ حرکت از چیزی که هست و نباید باشد به سوی چیزی که نیست و باید باشد؛ حرکت از ظن به سوی یقین؛ حرکت به سوی ریشه‌ها و اصالت‌ها؛ حرکت به سوی فطرت؛ «فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»^۱. «بازگشت به اسلام» لَبَّیک گفتن به دعوت خداوند است که در جهان طنین انداخته است: «وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۲؛ «و همگی به سوی خداوند بازگردید ای مؤمنان، باشد که رستگار شوید» و با این وصف، کسانی که چنین حقیقت ناب و اصیلی را «افسانه» می‌نامند، خود در پیچ و خم هزار و یک افسانه اسیرند و با افسون دجالان زمان که بر آنان حکم می‌رانند، به سنگ یا چیزی سخت‌تر از آن تبدیل شده‌اند؛ چنانکه خداوند به همگنانشان که دعوت پیامبران را نیز «اساطیر الاولین» (= افسانه‌های گذشتگان) می‌نامیدند، فرموده است: «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدَّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشْقُقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ»^۳؛ «سپس دل‌های شما دیگر بار سخت شد و آن مانند سنگ یا سخت‌تر از آن است؛ چراکه برخی سنگ‌ها از آن‌ها جویبارها می‌جوشد و برخی از آن‌ها شکافته می‌شوند و از آن‌ها آب بیرون می‌آید و برخی از آن‌ها از ترس خداوند هبوط می‌کنند و خداوند از کاری که انجام می‌دهید بی‌خبر نیست».

۲. مثل کسانی که زمینه‌سازان ظهور خلیفه‌ی خداوند در زمین را مسخره می‌کنند، مثل کسانی است که نوح و یارانش را مسخره می‌کردند، هنگامی که به امر خداوند در خشکی، کشتی را می‌ساختند تا زمینه‌ی رستگاری مؤمنان و نابودی کافران را فراهم سازند؛ چنانکه خداوند از آنان خبر داده و فرموده است: «وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنِّي فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ»^۴؛ «و کشتی را می‌ساخت و هر بار که گروهی از قومش بر او می‌گذشتند او را مسخره می‌کردند، گفت: اگر ما را مسخره می‌کنید، ما نیز شما را مسخره می‌کنیم همان طور که شما ما را مسخره می‌کنید! پس به زودی خواهید دانست که چه کسی

۱. الزوم / ۳۰

۲. النور / ۳۱

۳. البقرة / ۷۴

۴. هود / ۳۸ و ۳۹

او را عذابی می‌آید که خوارش می‌سازد و عذابی ماندگار بر او فرود می‌آید». ناگزیر عاقبت کسانی که نوح و یارانش را مسخره می‌کردند آن شد که غرق شدند و چنین عاقبتی در انتظار کسانی است که منصور هاشمی خراسانی و یارانش را مسخره می‌کنند؛ زیرا او به سوی چیزی دعوت می‌کند که نوح و پیامبران پس از او به سوی آن دعوت می‌کردند و آن همانا حکومت خداوند و اجتناب از طاغوت است؛ چنانکه فرموده است: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾^۱؛ «و هرآینه در هر امتی پیامبری را برانگیختیم که خداوند را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید» و عاقبت مسخره کنندگان آنان یکسان بود؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَلَقَدْ اسْتَهْزِئَ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾^۲؛ «و هرآینه پیامبرانی پیش از تو را نیز استهزا کردند، پس به کسانی از آنان که مسخره می‌کردند چیزی که آن را استهزا می‌کردند فرود آمد» و کسانی از آنان که از کيفر خداوند در دنیا گریختند، از کيفر او در آخرت رهایی نمی‌یابند؛ چنانکه درباره‌ی آنان خبر داده و فرموده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ ﴿۱﴾ وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ ﴿۲﴾ وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ ﴿۳﴾ وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُونَ ﴿۴﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ ﴿۵﴾ فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ ﴿۶﴾ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ﴿۷﴾ هَلْ ثَوَابَ الْكُفَّارِ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿۸﴾﴾^۳؛ «هرآینه کسانی که گناه کردند به کسانی که ایمان آوردند می‌خندیدند و چون بر آنان می‌گذشتند با چشمان خود به آنان اشاره می‌کردند و چون به نزد خانواده‌ی خود باز می‌گشتند خندان باز می‌گشتند و چون آنان را می‌دیدند می‌گفتند که این‌ها منحرفان هستند، در حالی که نگهبان آنان قرار داده نشده بودند؛ پس امروز کسانی که ایمان آوردند به کافران می‌خندند، بر روی تخت‌ها نگاه می‌کنند (و می‌پرسند): آیا کافران کيفر کاری که انجام می‌دادند را داده شدند؟!». آری، کيفر کارشان را داده می‌شوند؛ چراکه خداوند در آن روز عذرشان را نمی‌پذیرد و از عذاب رهایی‌شان نمی‌دهد و به آنان می‌فرماید: ﴿إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿۱﴾ فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سَخِرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ ﴿۲﴾ إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا إِنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿۳﴾﴾^۴؛ «هرآینه گروهی از بندگانم بودند که می‌گفتند: پروردگارا! ما ایمان آوردیم، پس ما را بیامرز و رحم کن که تو بهترین رحم‌کنندگانی! پس شما آنان را به سخره گرفتید تا یادم را از خاطرتان بردند و به آنان می‌خندیدید! هرآینه من امروز آنان را به خاطر اینکه صبر کردند پاداش دادم که آنان رستگاران خواهند بود».

۱. النحل / ۳۶

۲. الأنعام / ۱۰

۳. المطففين / ۲۹-۳۶

۴. المؤمنون / ۱۰۹-۱۱۱

۳. بدون شک هر پرچمی که پیش از ظهور مهدی برافراشته می‌شود و مسلمانان را به سوی حاکمیت خود یا حاکمیت دیگران دعوت می‌کند، طاغوت است و این حقیقتی است که در کتاب شریف «بازگشت به اسلام» با تکیه بر مبانی عقلی و شرعی تبیین شده است، ولی پرچمی که پیش از ظهور مهدی برافراشته می‌شود و مسلمانان را نه به سوی حاکمیت خود و نه به سوی حاکمیت دیگران، بلکه به سوی حاکمیت مهدی دعوت می‌کند، ضرورتاً و بدون هیچ تردیدی حق است، بلکه در واقع پرچم مهدی شمرده می‌شود؛ چراکه زمینه‌ساز حاکمیت اوست و مشروعیت هر زمینه‌سازی تابع مشروعیت چیزی است که زمینه‌ی آن را می‌سازد؛ به این ترتیب که اگر زمینه‌ی چیزی مشروع را می‌سازد مشروع و اگر زمینه‌ی چیزی نامشروع را می‌سازد نامشروع است و تردیدی نیست که حاکمیت مهدی مشروع است و با این وصف، زمینه‌ساز آن نیز مشروع شمرده می‌شود؛ با توجه به اینکه عقلاً زمینه‌ساز حق را حق و زمینه‌ساز باطل را باطل می‌شمارند و زمینه‌ساز حق را باطل و زمینه‌ساز باطل را باطل نمی‌شمارند و زمینه‌ساز حق را با زمینه‌ساز باطل یکسان نمی‌پندارند؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَى وَالْأَصَمِّ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ ۚ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا ۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾^۱؛ «مثل دو گروه مثل کور و کر و بینا و شنوا است، آیا با یکدیگر برابرند؟! آیا پس متذکر نمی‌شوید؟!» و فرموده است: ﴿وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ ۚ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ﴾^۲؛ «و کور و بینا یکسان نیستند و نیز کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و بدکاران، اندکی متذکر می‌شوید» و فرموده است: ﴿أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ﴾^۳؛ «یا کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند را مانند افساد کنندگان در زمین قرار می‌دهیم یا پرهیزکاران را مانند فاجران قرار می‌دهیم؟!»؛ خصوصاً با توجه به اینکه حاکمیت مهدی مانند هر حاکمیت دیگری، بدون زمینه‌سازی برای آن ممکن نیست و با این وصف، عدم مشروعیت زمینه‌سازی برای آن، به معنای عدم مشروعیت آن است که بر خلاف نصوص قطعی خداوند و پیامبر اوست. به همین دلیل، در روایات متواتر اسلامی، از یک سو بر طاغوت بودن هر پرچمی پیش از ظهور مهدی تأکید شده و از سوی دیگر از پرچم حقی خبر داده شده است که پیش از ظهور مهدی در خراسان برافراشته می‌شود و به سوی حاکمیت مهدی و نه حاکمیت خود یا حاکمیت دیگران دعوت می‌کند و همراهی با آن بر هر مسلمانی واجب است.

۱. هود / ۲۴

۲. غافر / ۵۸

۳. ص / ۲۸

از اینجا دانسته می‌شود که معیار حق بودن یا باطل بودن پرچم‌ها، دعوت آن‌ها به سوی حکومت مهدی یا حکومت غیر اوست؛ به این ترتیب که هر یک از آن‌ها مانند پرچم منصور هاشمی خراسانی به سوی حکومت مهدی دعوت می‌کند، حق و هر یک از آن‌ها مانند پرچم‌های دیگران به سوی حکومت غیر او دعوت می‌کند، باطل است و این همان است که خداوند در کتاب خود فرموده است: ﴿قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ ۚ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾^۱؛ «هدایت از گمراهی مشخص شده است، پس هر کس به طاغوت کافر شود و به خداوند ایمان آورد هرآینه به دستگیری استواری چنگ زده است که گسستنی برای آن نیست و خداوند شنوایی داناست».

۴. کسانی که دعوت منصور هاشمی خراسانی به سوی مهدی را از بیم افتادن در فتنه‌های آخر الزمان اجابت نمی‌کنند، بدانند که مدت‌هاست در فتنه‌های آخر الزمان افتاده‌اند و تنها راه بیرون آمدنشان از آن‌ها، اجابت دعوت منصور هاشمی خراسانی به سوی مهدی است؛ چراکه مهدی تنها پایان دهنده به فتنه‌های آخر الزمان و منصور تنها دعوت‌کننده به سوی مهدی است. هر چند بیشتر کسانی که اکنون دعوت او به سوی مهدی را اجابت نمی‌کنند و خود را نگران فتنه می‌شمارند، همان کسانی هستند که دیروز دعوت هر شغالی به سوی هر گرگی را اجابت کردند و از هیچ فتنه‌ای نترسیدند، بلکه امروز نیز دعوت حاکمان گوناگون به سوی خود را اجابت می‌کنند و از هیچ فتنه‌ای پروا ندارند، ولی اکنون که نوبت به مهدی رسیده و پرچم دعوت‌کننده به سوی او برافراشته شده است، به یاد فتنه افتاده‌اند و چهره‌ی زهده‌فروشان گوشه‌نشین و سجاده‌به‌دوشان محتاط را به خود گرفته‌اند؛ همانان که روزی از بیم فتنه، با علی بن ابی طالب همراهی نکردند و روزی دیگر شبانه به بیعت با حجاج بن یوسف ثقفی شتافتند! اف باد بر این شیادان متقلب و حيله‌گر که تاریخ را با سفاهت و کج‌فهمی خود ملوث کرده‌اند و هنوز هم می‌خواهند با همان بهانه‌های همیشگی و عذرهای بدتر از گناه، خدا و مؤمنان را مانند خود بفریبند، در حالی که جز خود را فریب نمی‌دهند و نمی‌دانند!

۵. کسانی که در خانه‌های خود به انتظار نابودی زمینه‌سازان ظهور مهدی نشسته‌اند و روزها را شماره می‌کنند بدانند که زمینه‌سازان ظهور مهدی نابود نخواهند شد، بل این آن‌ها هستند که نابود خواهند شد، همان طور که ظالمان پیش از آن‌ها نابود شدند و نابودی‌شان عبرتی برای آیندگان شد. این وعده‌ی خداوند است و وعده‌ی خداوند تخلف نخواهد پذیرفت.

۶. اما کسانی که دعوت منصور هاشمی خراسانی به سوی مهدی را اجابت می‌کنند و به زمینه‌سازان حکومت خداوند در زمین می‌پیوندند بدانند که اگر کشته شوند بهترین شهیدانند

و اگر زنده بمانند نصیب آنان نصرتی از جانب خداوند و فتحی نزدیک است؛ چنانکه فرموده است: «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»^۱؛ «نصرتی از جانب خداوند و فتحی نزدیک و مؤمنان را بشارت ده»، در حالی که دشمنان آنان اگر کشته شوند به آتش سرنگون می گردند و اگر زنده بمانند در خشم خداوند زندگی می کنند تا بر ظلم و گناهشان بیفزایند و در حالی بمیرند که مشرک اند.

لعنت خداوند بر دشمنان مهدی و بر دشمنان زمینه ساز ظهورش منصور هاشمی خراسانی که شیاطینی در جامه ی انسان هستند و با کفر و ظلم و عناد خود، جهان را به سوی تباهی می کشانند و درود خداوند بر مهدی و منصور و بر همه ی آزادمردان و آزاد زنانی که آن دو را یاری می کنند تا کلمه ی خداوند راست شود و وعده ی او تحقق یابد، اگر چه مشرکان کراحت دارند.



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب هاشمی خراسانی
مجلس خبری انقلاب اسلامی

